گرام گردی

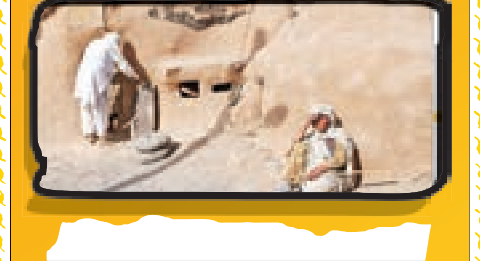

مهاجران خشک‌سالی در ایران

فشارهای زیست محیطی یکی از ۴ «کلان روند» در شکل دهی جهان امروز است که خود شامل تغییرات اقلیمی و کمبود منابع می‌شود. این فشارها به جابه جایی وسیع آدم‌ها در کره زمین تبدیل شده‌اند. افزایش دمای زمین و کاهش بارش، شاخص‌های اصلی تغییر اقلیم هستند که دانشمندان سال‌هاست درباره آن هشدار می‌دهند. ایران نیز درگیر تأثیرات ناشی از فشارهای زیست محیطی است. بررسی‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که جابه جایی جمعیت در دهه اخیر در کشور، تا حدود زیادی با نقشه خشک سالی ناشی از تغییر اقلیم و مصرف بی رویه آب‌های تجدیدپذیر تطابق دارد و به نظر می‌آید که شهرهای مهاجرپذیر نیز تنش آبی کمتری نسبت به شهرهای مهاجرفرست دارند. معیشت بیشتر جمعیت روستاییان در کشور از دیرباز از طریق کشاورزی بوده است و اساسا توسعه در این بخش با میزان مصرف منابع آبی ارتباط مستقیمی دارد. هم اکنون بخش کشاورزی با سهم حدود ۹۰ درصدی بیشترین مصرف کننده منابع آبی است. علی اکبر محزون، مدیرکل دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری مرکز آمار ایران، درباره تغییرات جمعیت شناختی در کشور و ارتباط آن با نقشه خشک سالی کشور به همشهری می‌گوید: در نخستین سرشماری انجام شده در سال ۱۳۳۵، جمعیت روستایی کشور ۶۸٫۶ درصد بود. این نسبت در سرشماری سال‌های ۵۵ تا ۶۵ به نوعی برابر با جمعیت شهری می‌شود و پس از آن معکوس و به کفه ترازوی جمعیت شهری اضافه می‌شود.

برای خواندن شرح کامل این گزارش در روزنامه همشهری کد را اسکن کنید.

Scan

حراج آثار تاریخی

نسخه خطی متعلق به دوره تیموری، حلقه‌ای با نگین عقیق از دوره صفوی، اثر خوش نویسی مربوط به دوره صفوی، سینی قلم زنی متعلق به دوره زندیه، این‌ها بخشی از آثار تاریخی چکش خورده در هفتمین حراج ملی بود که هفته گذشته در حوزه هنر کلاسیک و اسلامی برگزار شد. این نخستین بار نیست که آثاری با ارزش و قدمت درخور توجه تاریخی در حراج ملی عرضه می‌شود، اما از آنجا که در دوره‌های گذشته، آثار هنرمندان معاصر بالاترین فروش را داشتند، آثار تاریخی ارائه شده، در سکوت خبری چکش خوردند و فروش آن‌ها چندان با استقبال مواجه نشد. در هفتمین حراج ملی اما آثار تاریخی مربوط به دوره قاجار، بالاترین قیمت را به خود اختصاص دادند و شاید حساسیتی که هنوز از طرح ناپخته مجلس درباره خرید و فروش آثار تاریخی در افکار عمومی و رسانه‌ها باقی مانده بود، باعث واکنش‌هایی به این اتفاق شد. روزنامه اعتماد در گزارش خود از قول مدیرکل اسبق دفتر حقوقی وزارت میراث فرهنگی نوشته است: وزارت ارشاد اجازه به حراج گذاشتن اشیای تاریخی را ندارد. مرتضی ادیب زاده، رئیس اداره کل موزه‌های وزارت میراث فرهنگی هم در این باره اعلام کرد؛ این برنامه مجوزی از این وزارتخانه نداشته و «با توجه به قدمت و نفاست این آثار، خروج آن‌ها از کشور ممنوع است و برابر با ماده ۵۶۱ مجازات اسلامی جرم محسوب می‌شود.»

با اسکن کد شرح کامل این گفت‌وگو را در روزنامه اعتماد بخوانید.

Scan

عکس نوشت

Scan

شیر یخ، بستنی سنتی افغانستان است که این روزها در میان مهاجران و مردم مشهد طرف داران زیادی دارد. این بستنی از شیر، شیرخشک، وانیل، زعفران، هل، نشاسته، پسته، گلاب، خامه و شکر ساخته می‌شود و در دل این گرمای طاقت فرسا می‌تواند یکی از جذاب ترین انتخاب‌ها باشد. شیر یخ هرات و مزارشریف از معروف ترین بستنی‌ها هستند که هر کدام به سبک خاصی درست می‌شوند.

عکس‌ها: سیدحسین میرپور/ خبرگزاری مهر

مشهدشهر مهربانی‌ها

به بهانه دو فیلم کوتاه سرشار از مهربانی که در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد

سیدزاده لزوما مشقت کشیدن نیست که ارزش خلق می‌کند. آن نتیجه نهایی و آنچه در غایت ماجرا حاصل می‌شود، حتما همیشه معلول رنج کشیدن و سختی‌ها را تحمل کردن و پشت سر گذاشتن انبوهی از مرارت‌ها نیست. بله، تلاش و پشتکار ثمربخش می‌شود؛ اما گاهی اوقات این سهل دیدن و سهل برخورد کردن با آدم‌ها و وقایع پیرامون است که کلی احساسات خوب به بار می‌آورد و در بعد اجتماعی ترش، سهل دیدن به همراه احساس مسئولیت اجتماعی و وظیفه‌ای که می‌توانیم در قبال اطرافیانمان داشته باشیم. احساسی که شاید لابه لای این روزهایی که باید مدام بدویم تا بر سیم و حواسمان باشد از قافله‌ای عقب نمانیم فقط کمی کم رنگ شده باشد. بهانه همه این صحبت‌ها دو ویدئوکلیپ کوتاه است که در یکی دو روز گذشته در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد و دست به دست گشتن آن واکنش‌های مثبتی از سوی کاربران در پی داشت. فیلم‌های کوتاهی که شاید شما هم آن‌ها را تماشا کرده باشید و بعد لبخندی از سر رضایت گوشه لبتان نقش بسته باشد و احتمالا زیر لب یک «دمت گرم» یا «مرامت رو عشقه» هم نثار مسببانش کرده باشید. یکی از این ویدئوکلیپ‌ها مربوط به همین مشهد خودمان است؛ مأمور قطاری که در ایستگاه قطارشهری دارد به خانمی که دچار گرمازدگی شده کمک می‌کند تا در این گرمای بی سابقه، یک استراحت کوتاه حالش را جابیاورد. دیگری، مربوط به راننده یک بیل مکانیکی است؛ راننده‌ای که وقتی کودکی در سایه ایستاد و از او خواست تا کامیون کوچک اسباب بازی اش را برای بازی پر از خاک کند، نه تنها نه نگفت، بلکه دست به کار شد و با لهجه شیرین شیرازی اش از این گفت که برایش «پلویی بار می‌زند» تا «برود و حالش را ببرد.» کاربران زیادی به این فیلم‌ها واکنش نشان دادند. «مشهد، شهر مهربانی‌ها» دوباره سر زبان‌ها افتاد و البته کاربری هم نوشت: «تو رو خدا کولرهای توی ایستگاه‌ها رو خاموش نکنین.» شخص دیگری از این گفت که: «خدا خیرش بده. ما آدم‌ها مثل دومینو می‌مونیم. محبت و فداکاری و انسان دوستی مون می‌تونه واگیردار باشه. همه باید به هم کمک کنیم هرجا که هستیم.» و دیگری به این نکته اشاره کرد که: «این کارا جزو وظایف انسانی مونه. باید این قبیل رفتارها در قبال همدیگه کاملا طبیعی باشه برامون و برای همدیگه وقت بذاریم.» کاربران دیگر هم هرکدام به نحوی از احساساتی که بعد از تماشای این مهربانی‌ها دچارش شدند نوشتند: «درود به شرف راننده بیل مکانیکی. مرد بزرگی که کاری بزرگ برای مردی کوچک انجام داد.»، «اشک تو چشمام جمع شد.» یا «دمت گرم دلش رو شاد کردی. شک نکن خدا یه جایی غیرمنتظره دلت رو چنان شاد کنه که تا به حال تجربه ش نکردی.»

گزارش روز

مهران غفوریان می‌خواهد سریال تازه‌ای بسازد و همین باعث شده است کاربران شبکه‌های اجتماعی از آن استقبال کنند

هراز گاهی کارگردانی

عروجی آخرین باری که نام مهران غفوریان در رسانه‌ها مطرح شد حضور در کنسرت-نمایش «سی صد» بود. نمایشی با بلیت ۷۰۰ هزار تومانی و کلی سروصدا. سکته قلبی اش سر صحنه «نیسان آبی» هم البته توانست تا چند روز او را سوژه رسانه‌ها کند و البته محبوب تر از قبل. غفوریان این سال‌ها بیشتر در حوزه بازیگری فعالیت داشته است و طی چند سال اخیر نیز حضورش در «خندوانه» و استندآپ کمدی‌ها توانست یک بار دیگر او را احیا کند و حتی به عنوان فینالیست برتر مطرح شود؛ البته که بعد از این موفقیت‌ها با یک انتخاب نادرست اجرای «اعجوبه‌ها» را پذیرفت و باز در زمانی که این برنامه می‌رفت که به یک برند تبدیل شود و او می‌توانست با آزمون و خطاها خود را در این موقعیت تازه باز یابد کنار گذاشته شد و خود برنامه هم با انتخاب نادر سلیمانی شکست بدتری را تجربه کرد! غفوریان بعد از یکی دو دهه که هراز گاهی دست به کارگردانی زده است، دوباره سودای کارگردانی پیدا کرده و بازیگری مانع نشده است که از رؤیاهای خود دست بکشد. رؤیاها یا اهدافی که گاهی هم بلندبلند درباره آن‌ها فکر می‌کند و در رسانه‌ها به اشتراک می‌گذارد. او حالا در گفت‌وگو با برنامه رادیویی «پشت صحنه» خبر داده که قرار است سریالی برای شبکه خانگی کارگردانی کند. سریالی که برعکس انتظارتمان کمدی نیست و ملودرام است و سعید هوشیار در دو فصل در حال نوشتن آن است. از طرفی، این اولین کار جدی غفوریان بعد از سال‌ها بازی و کارگردانی در سریال‌های طنز تلویزیون و سینماست. غفوریان البته در این مدت تجربه‌های شکست خورده زیادی را هم پشت سر گذاشته است. او حدود دو سال پیش نیز از ایده ساخت تاک شویی به سبک اجراهای جیمی فالون، خبر داد و می‌خواست آن را در شبکه نسیم بسازد. این پروژه در ظاهر تا یک جاهایی پیش رفت و غفوریان وعده داد خودش تهیه کنندگی، کارگردانی و اجرای آن را بر عهده می‌گیرد؛ اما هنوز از این برنامه خبری نشده است. غفوریان علاوه بر این حدود سه سال پیش اعلام کرد که می‌خواهد فیلم سینمایی بسازد که محمدرضا آرین فیلم نامه اش را نوشته بود. ساخت این فیلم سینمایی هم آن قدر جدی شده بود که غفوریان بعدها از اسم آن با نام «نون خامه‌ای» یاد کرد و حتی علی سرتیپی را به عنوان تهیه کننده کار معرفی کرده بود، با این حال این اثر هم به تولید نرسید، اما حالا و بعد از انتشار این خبر کاربران شبکه‌های اجتماعی از این موضوع استقبال کرده و نوشته‌اند که دلشان می‌خواهد فیلم‌های «بهروز خالی بند» را تماشا کنند. باید دید این بار چه اتفاقی می‌افتد و آیا او بعد از کارگردانی سه گانه «زیر آسمان شهر» می‌تواند دوباره به میادین برگردد یا نه.

توییت روز

پرتو جغتایی
عکاس و خبرنگار ورزشی
هیچ خبردار شدین که دخترای تکواندوکارمون گل کاشتن و با گرفتن ۶ مدال رنگارنگ قهرمان آسیا شدن؟

خاطره وطن خواه
خبرنگار
رستوران‌ها به تدریج در حال حذف دستگاه پوز هستند و فعلا از سیستم کارت به کارت استفاده می‌کنند. با این روند تورم فزاینده هیچ بعید نیست، ریال جای خود را به ارزهای دیگر بدهد، کما اینکه معاملات برخی خودروها دلاری شده است.

محمد کشوری
فعال رسانه
گزارش دهی از سرعت اینترنت نباید محدود به گزارش وضعیت شبکه ارتباطی (عمدتا لایه دسترسی اپراتورها) بشه بلکه باید شامل وضعیت شبکه زیرساخت هم بشه. کیفیت اینترنت چند حلقه به هم پیوسته است که با بهبود یک حلقه لزوما تجربه کاربری بهتر نمیشه. آیا توضیحی برای این اخلال‌ها وجود داره؟

غلامرضا طریقی
شاعر
این روزها اندوه خانه به دوشی تبدیل به وحشت بی خانمانی شده است و هیچ یاری دهنده‌ای نیست.

جدول شماره ۳۵۱۱

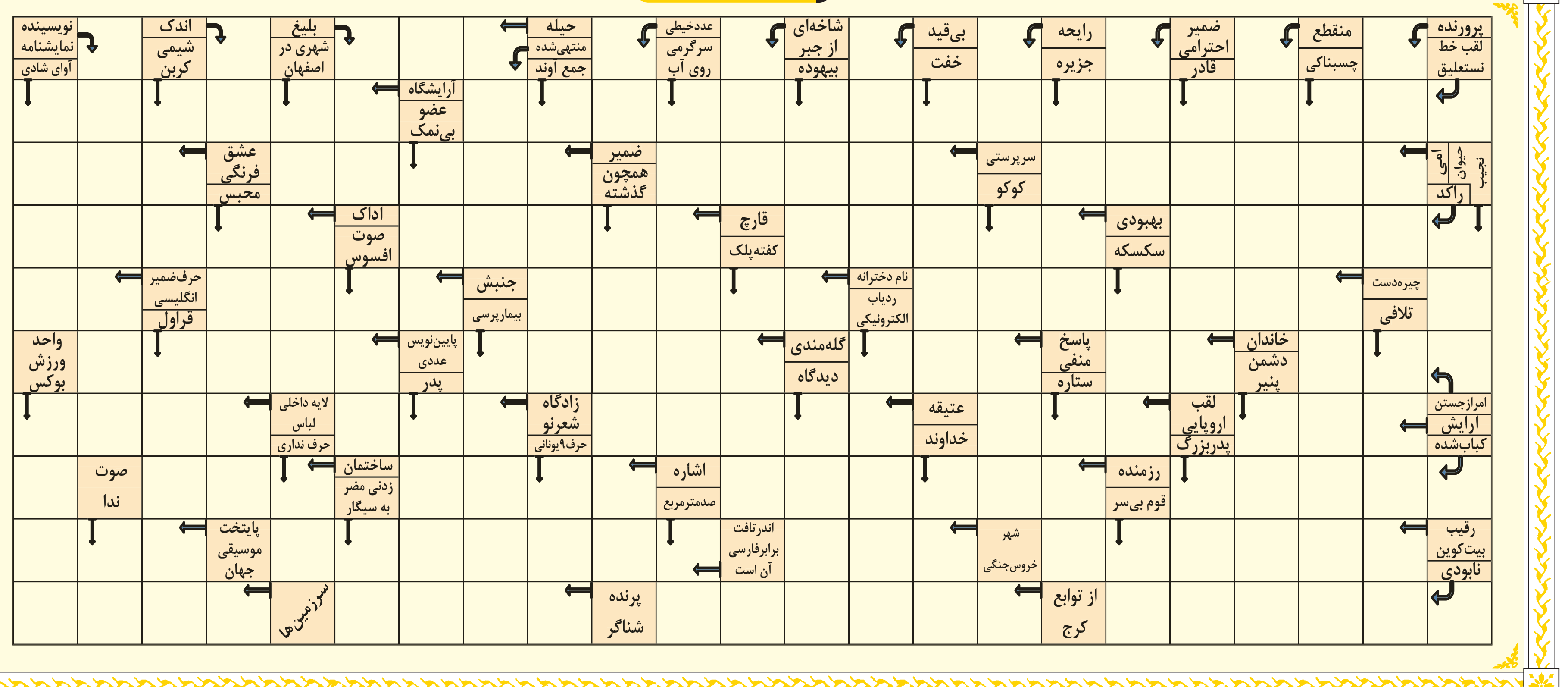

شوخی با خبر

موضوع انشا: برای اوقات فراغت خود چه برنامه‌ای دارید؟

مهدی محمدی

من که دیروز با پدرم به یک اداره رفتم دیدم کارمندان آنجا با وجود اینکه ارباب رجوع زیاد داشتند، ولی باز هم اوقات فراغت بیشتری نسبت به ما دانش آموزان در تابستان داشتند و کاش ادارات آن‌ها یک برنامه برای پرکردن اوقات فراغت آن کارمندان بیکار نیز فراهم کنند.

اگر یادتان باشد در یکی از انشاهای قبلی با موضوع عید نوروز خود را چگونه گذراندید؟ اشاره کردم به سفرهایی که به دریای خزر، دریای عمان و خلیج فارس رفته بودم؛ اما بعد از آن انشا، مسئولان مدرسه به پدرم گفتند شما پول دارید تمام سواحل ایران را بروید، ولی پول ندارید برای نقاشی کردن حیاط مدرسه کمک کنید؟

برای همین این بار می‌خواهم حقیقت را بگویم. راستش ما از آن خانواده‌ها نیستیم که برای اوقات فراغت فرزندانشان چندمیلیون پول کلاس فوتبال و شنا و این‌ها می‌دهند. سال قبل پدرم بدون پرداخت حتی یک ریال هزینه اوقات فراغتم را پر کرد. او بیشتر اوقات مرا می‌فرستاد تا در صف‌هایی که اجناس تنظیم بازاری می‌دهند بایستم و چون صف‌ها طولانی بود تقریبا تمام اوقات فراغتم پر می‌شد؛ اما برای تابستان امسال پدرم گفته است چنین برنامه‌ای ندارد، چون حتی توانایی خرید اقلام تنظیم بازار را نیز نداریم.

تابستان امسال تنها برنامه‌ای که پدرم برای اوقات فراغتم در نظر گرفته، این است که مرا با کارت بانکی خودش به عابر بانک می‌فرستد تا ببیند یارانه‌ای که واریز شده امکان برداشت دارد یا هنوز باید صبر کنیم.

علاوه بر پدرم من نیز برای پرکردن اوقات فراغتم نقشه کشیدم و آن رفتن به خانه پدربزرگم است؛ چون آنجا تمام کتاب‌های داخل قفسه اش را یک نگاه می‌اندازم. من فهمیده‌ام کتاب واقعا برای انسان سودمند است و تا الان کتاب به من صدهزار تومان سود رسانده است؛ چون توی دو کتاب دو تراول پیدا کردم؛ البته این‌ها همان تراول‌هایی هستند که در ایام عید پدربزرگ به ما عیدی می‌دهد.

در پایان امیدوارم که بقیه دانش آموزان هم اوقات فراغت پرسودی داشته باشند!

دانستنی روز

پژوهشگران می‌گویند آدم‌ها می‌توانند خیلی زود مثل خفاش‌ها راهشان را پیدا کنند

پژواک یابی در کمتر از ۱۰ هفته

وقتی بحث پژواک یابی یا مکان یابی با صوت به میان می‌آید، احتمالا اولین چیزی که به ذهن خطور می‌کند، جانورانی مانند دلفین‌ها و به ویژه خفاش‌ها باشند؛ اما پژواک یابی می‌تواند راهکار مناسبی برای نابینایان باشد تا به وسیله آن درک بهتری از فضاها داشته باشند و بهتر مسیریابی کنند. با وجود مفید بودن این مهارت، تعداد کمی از افراد نابینا این مهارت را آموخته‌اند. خوشبختانه نتایج یافته‌های اخیر نشان می‌دهد، انسان‌ها می‌توانند در مدت کوتاهی حتی کمتر از ۱۰ هفته پژواک یابی را بیاموزند. محققان برای اثبات ادعای خود آزمایشی با حضور دو گروه داوطلب انجام دادند. در این آزمایش ۱۲ شرکت کننده نابینا حضور داشتند که برخی از آن‌ها از سنین جوانی کاملا بینایی خود را از دست داده بودند. در گروه دیگر این آزمایش ۱۴ نفر بدون مشکل بینایی شرکت کرده بودند. این دو گروه توانستند طی ۲۰ جلسه آموزشی پژواک یابی را بیاموزند. هرکدام از این جلسه‌های تمرینی حدود ۲ تا ۳ ساعت طول می‌کشیدند. محققان گفته‌اند که هر دو گروه داوطلبان توانستند پس از آموزش کافی نحوه مکان یابی با صوت را یاد بگیرند. در دوره آموزشی پژواک یابی شرکت کنندگان باید از میان هزارتوهای ساختگی عبور می‌کردند. در دو جلسه پایانی تمام شرکت کنندگان توانستند با استفاده از تجزیه و تحلیل صدای پژواک خود از میان هزارتوها عبور کنند. نکته جالب اینکه محققان اعلام کردند، شرکت کنندگان در آزمایش به لحاظ توانایی خود در پژواک یابی عملکردی مشابه کسانی داشتند که سال‌ها از این مهارت استفاده کرده‌اند. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد، انسان‌ها را هم می‌توان با اندکی چشم پوشی در فهرست حیوانات دارای مهارت پژواک یابی قرار داد؛ اما محققان به چه دلیل به مهارت پژواک یابی علاقه پیدا کرده‌اند؟ پژواک یابی در قلمروی حیوانات کاملا مؤثر بوده است. جانوران از این مهارت حیاتی برای موقعیت یابی، جهت یابی و پیدا کردن طعمه استفاده می‌کنند. جانورانی که پژواک یابی می‌کنند به راحتی صدایی را به محیط اطراف خود ارسال می‌کنند و با گوش دادن و تجزیه و تحلیل پژواک صدای خود، موقعیت اجسام را در محیط اطراف متوجه می‌شوند. به جز خفاش‌ها، دلفین‌ها، نهنگ‌های دندان دار و همین طور خوک‌های دریایی، چند پرنده حشره خوار و دو پرنده غارزی هم می‌توانند از پژواک استفاده کنند. این پرندگان از روش‌های ابتدایی تر پژواک یابی نسبت به خفاش‌ها بهره می‌برند و از این مهارت برای عبور از میان درختان و غارهای محل زندگی خود استفاده می‌کنند. از این رو، اگر بتوان این مهارت را در مدت کوتاهی به انسان‌ها آموزش داد، می‌توان تا حدی کیفیت زندگی افراد نابینا را بهبود بخشید. با بالا رفتن سن، بینایی یکی از حواسی است که بیشترین آسیب را می‌بیند و بدین ترتیب، فرد برای حرکت در محیط اطراف خود با دشواری بیشتری مواجه می‌شود. محققان در گذشته امکان آموزش مهارت پژواک یابی را آزمایش کرده بودند. با این حال، این اولین باری بود که آزمایش‌ها شامل افراد نابینایی در سنین مختلف می‌شد. حال، محققان می‌دانند افراد نابینا و بینا می‌توانند پژواک یابی بیاموزند.

منبع: دیجیاتو

کنترل اشیا با ذهن دیگر غیرممکن نیست

احتمالا در فیلم‌های سینمایی علمی-تخیلی دیده‌اید که برخی از افراد قدرت این را دارند که اشیا را تنها با قدرت ذهن خود جابه جا کنند، یا اینکه ممکن است گاهی اوقات از فرط خستگی نتوانید برای برداشتن چیزی از جایتان بلند شوید و اینجاست که آرزو می‌کنید ای کاش می‌توانستم تنها با یک اشاره ذهن آن وسیله را تکان دهم. تیم تحقیق روی کنترل اشیا با استفاده از ذهن، مقاله‌ای را تحت عنوان فراسطح با قابلیت کنترل از راه دور اشیا از طریق امواج مغزی منتشر کرده‌اند. این گروه از دانشمندان برای اینکه بتوانند کنترل اشیا را به وسیله ذهن عملی سازند، امواج مغزی را به صورت بی سیم و به کمک فناوری بلوتوث به یک دستگاه کنترلر انتقال دادند. آن‌ها قصد داشتند از امواج مغزی فرد استفاده کنند تا از طریق آن‌ها بتوانند واکنش‌های الکترومغناطیسی فراسطح‌های با امکان برنامه ریزی را کنترل کنند و در پایان آزمایش‌های خود نشان دادند که فرد می‌تواند با کمک ذهن خود الگوی پراکندگی امواج الکترومغناطیسی را کنترل کند. یکی از مباحث مهمی که امروزه در بسیاری از حوزه‌ها به آن توجه شده است، بحث فرامواد است که آن هم به علت ویژگی‌های فیزیکی غیرعادی است که این فرامواد دارند. این مواد به پژوهشگران این اجازه را می‌دهند که از طریق ایده طراحی مواد مصنوعی و فعال سازی مواد کاربردی پیشرفته با یکدیگر در تماس باشند. خوشبختانه فراسطح به نوعی همتای دوبعدی فرامواده است و از نظر قابلیت‌های دستکاری امواج الکترومغناطیسی اختیار زیادی در کنترل برخی موارد به دانشمندان می‌دهد. به گفته دانشمندان حاضر در این تحقیق، فراسطوحی که قابلیت برنامه ریزی شدن دارند به محض دریافت برنامه خود می‌توانند چندین کارکرد مختلف داشته باشند و حتی از سنسورها و نرم افزارهای از پیش آماده بهره بگیرند. سوئیچ‌های این فراسطوح اغلب از طریق کنترل‌های دستی انجام می‌شود. خوشبختانه امروزه می‌توان با این دستاورد بزرگ از آن‌ها به صورت از راه دور، بی سیم و آنی استفاده کرد. محققان چینی این پژوهش بیان داشته‌اند که امواج مغزی انسان می‌توانند به صورت مستقیم خروجی این سطوح را کنترل کنند و این باعث می‌شود تا نرخ کنترل و سوئیچ بهتری داشته باشند. فناوری که دانشمندان چینی به آن دست یافته‌اند، هنوز جای پیشرفت دارد و باید روی آن کار شود تا بهینه تر از هر زمانی عمل کند. دانشمندان همچنین امیدوار هستند که بتوانند روزی این فناوری پیشرفته و جدید را با الگوریتم‌های هوشمند ترکیب کنند و باعث ارتقای آن شوند. این دسته از محققان بر این باورند که این روش می‌تواند در دیگر کارکردهای مرتبط با فراسطح، استفاده شود.

منبع: زومیت

آیا می‌دانستید؟

آیا می‌دانستید سالانه سه میلیون متر مکعب چوب صرف چوب‌های غذاخوری در چین می‌شود؟

توییت

حانیکا
من حتی وقت‌هایی که به‌نفر ازم نشانی می‌پرسه و بلد نیستم هم بهش نشانی می‌دم بالاخره دیدن دنیا بهتر از ندیدنشه.

بروش
اگه بالا و پایین عینک دودی‌ها یه کولر گازی با فناوری نانو تعبیه کنن تابستون از اینی که هست زیباتر می‌شه.

جونیور
ملت مرخصی می‌گیرن برای اینکه استراحت کنن، ما مرخصی می‌گیریم تا به یه کار دیگه‌مون برسیم.

نارنج
بچه‌دار که بشم بهش می‌گم: هر اشتباهی بکنی تو دنیا من پشتتم حتی اگه زورم نرسه نهایتش باهم می‌شینیم غصه می‌خوریم.

شعر

تا چشم تو بر کمین دل‌ها بنشست
ابروی تو صد فتنه به عالم پیوست
از بهر خدا مکن ستیز، از سر صلح
دریاب مرا وگرنه رفتم از دست (خیالی بخارایی)

پاسخ جدول شماره گذشته

سودوکو

۲								۵
		۵		۶	۳	۱		
	۳	۷		۴	۵		۸	
۵	۷		۳	۸				۹
۳	۴		۷					
۹						۳		
۱	۶		۹					۴
۷				۱				
۴	۲			۵		۷		

پاسخ سودوکو

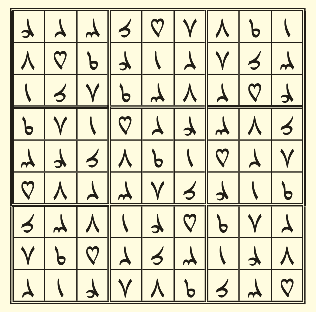

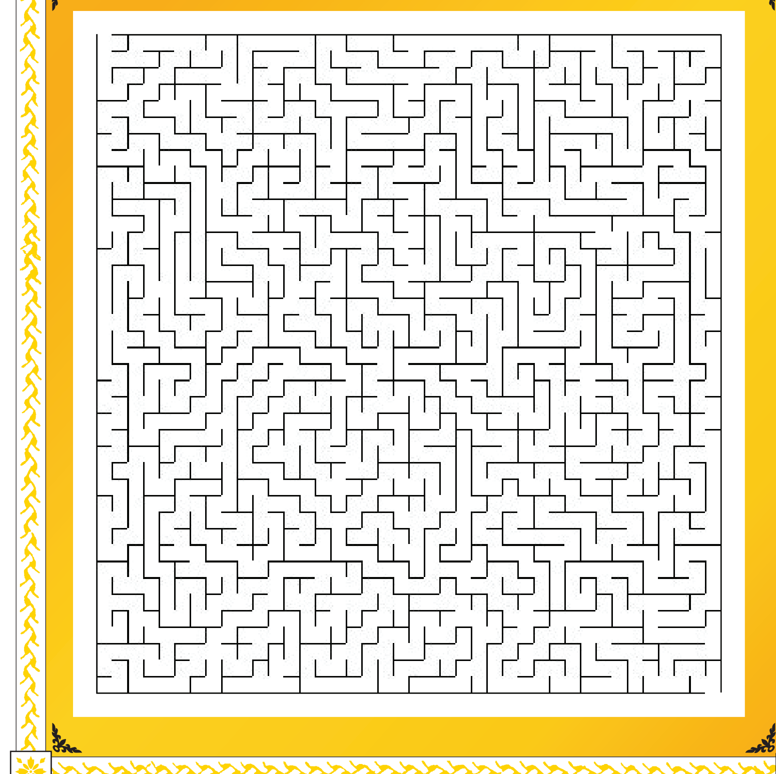هزارتو